



تحریم‌کنندگان انتخابات پشیمان هستند

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در جلسه شورای اداری استان چهارمحال و بختیاری گفت: «طی مدت اخیر سه انتخابات مهم در سراسر کشور ما برگزار شد و علی‌رغم توطئه‌های دشمنان برای اقدامات ایدایی، تقریباً هیچ مسئله امنیتی خاصی در کشور به وقوع نپیوست و هیچ کاری بر روی زمین نماند. البته در جریان انتخابات مجلس دوازدهم در اسفندماه گذشته، عده‌ای در داخل، از تحریم انتخابات سخن گفتند که آن‌ها امروز در پیشگاه ملت، نادم و پشیمان هستند.» او ادامه داد: «دشمنان و شیطان‌صفتان بدانند که در سیاست‌های اصولی نظام هیچ خللی ایجاد نشده است و همگان نیز مشاهده کردند که رئیس‌جمهور منتخب ما در حوزه سیاست خارجی در نخستین کنشش خود با سران و رهبران محور مقاومت تماس برقرار کرد و در حوزه داخلی هم که وی خود را ولایتمدار و ملتزم به اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری می‌داند.»



هشدار درباره اتباع غیرمجاز

سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات در حاشیه جلسه هیئت دولت گفت: «ما بعد از بیانیه‌ای که اخیراً وزارت اطلاعات داد با همراهی و همکاری هیئت‌ها و مجموعه‌های فرهنگی و آیینی با هوشیاری مردم موفق شدیم به لطف الهی طی ۱۲ عملیات ۲۰ نفر از افرادی که اغلب از اتباع غیرمجاز بودند را شناسایی و دستگیر کنیم. ما مروهن گزارشات مردم هستیم.» او ادامه داد: «۱۲ نفر از این افراد نیروهای عملیاتی بودند که برای عملیات آمده بودند و دو نفر از آنها از رهبران و امیران گروه‌های تکفیری و داعشی بودند که وابسته به کشورهایی بودند که با ما همسایه هم نیستند. از مردم که همکاری کردند شکر می‌کنم و از آنها می‌خواهیم در کرایه دادن و اجاره دادن و به کارگیری اتباع غیرمجاز حساسیت بیشتری به خرج دهند، مخصوصاً که این‌ها مراجعات روزانه دارند کرایه روزانه و کارگری روزانه دارند نسبت به این‌ها حساسیت بیشتری داشته باشند و همینطور نسبت به کار جدیدی شروع کردند که برای عادی‌سازی با خانواده می‌آیند بعضا همسران و خانواده‌ای را همراه خود می‌کنند تا ظاهر را حفظ کنند.»



گوش به فرمان بوده‌ایم

حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در مراسم تکریم و معارفه معاون روابط عمومی سپاه، گفت: «دفاع مقدس کهنسال می‌شود، اما کهنه نمی‌شود و گذر زمان نمی‌تواند درخشش فضائل‌ها را به فراموشی بسپارد. افرادی تلاش کردند تا دفاع مقدس به یک فرهنگ و نقطه الگو و قابل تکرار تبدیل شود. در عرصه نابرابر دفاع مقدس، شکوه ایمان درخشید.» او ادامه داد: «دشمنان همه امکانات، تجربیات و ابزارهای خود را به میدان آوردند. مقاومت به نام اسلام و تحت ولایت ولی فقیه صورت گرفت و ایستادگی کردیم. برای سپاه قطعات درخشانی از شکوه مقاومت و مواجیه با دشمنان شکل گرفت. سپاه در همه صحنه‌ها گوش به فرمان بوده است.»

سیاست

POLITICS

در این سخنرانی می‌خواهم به اصل ۱۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازم. ما می‌خواهیم بگوییم انتخابات ریاست جمهوری در ایران و شاید در کشورهای دنیا می‌تواند در دو وضعیت انجام‌شود و در دو وضعیت مورد تأمل قرار گیرد. اول، وضعیت نرمال است و دوم، وضعیت استثنایی (که در فرانسه دانش‌واژه‌های مختلفی برای آن استفاده می‌شود؛ برخی از دولت استثنایی یا وضعیت اضطراری استفاده می‌کنند که من همان وضعیت استثنایی را به کار می‌برم). این وضعیت نشان از موقعیت غیرمعمول دارد. درباره وضعیت استثنایی سخنان و تحلیل‌ها بسیار زیاد است اما در این بین یک پرسش خیلی جدی همیشه مطرح می‌شود که آیا اساساً در وضعیت‌های استثنایی ما می‌توانیم از حاکمیت قانون سخن بگوییم یا نه. ما در چنین وضعیتی باید حاکمیت قانون را کنار بگذاریم و اعلام کنیم که در

این مدت یک پرنانتری در حکمرانی قانون باز شده است. تحلیل‌ها دو گونه است، برخی می‌گویند استثنا قانون نمی‌شناسد و بنابراین وضعیت استثنایی وضعیتی است که خارج از قانون است. البته ما می‌توانیم فراقانونی بودن وضعیت استثنایی را تعدیل کنیم و بگوییم که درست است که در وضعیت استثنایی اعمال قاعده حقوقی رنگ و لعاب متفاوتی می‌گیرد اما این رنگ و لعاب هم کلیات، جهات و مبانی اش در خود قانون اساسی پیش‌بینی شده است و حالا که آن فضای عمومی درباره این وضعیت در قانون پیش‌بینی شده است؛ بنابراین بهتر است بگوییم در این وضعیت هم حاکمیت قانون به معنای دقیق کلمه تعطیل نمی‌شود بلکه به‌گونه‌ای دیگر اعمال می‌شود. من اینجا ابتدا اشاره می‌کنم به ماده ۱۶ قانون اساسی فرانسه که وضعیت استثنایی را پیش‌بینی می‌کند و می‌گوید: «رئیس‌جمهور در چنین وضعیت‌هایی اختیارات

معمای عبور از ۵۰روز

نگاهی به نشست حقوقی درباره تنفیذ، تحلیف و دوران فقدان رئیس‌جمهور

سر کار بیاید و اگر سریع نیاید، قانون اساسی نقض نشده است. قرائت چهارم در واقع تأسی از اصل ۱۲۸ است، این اصل به روح قانون در کنار متن قانون اشاره می‌کند و اینجا قرائت چهارم مطرح می‌شود. ایجاد وقفه بین انقضای روز پنجاهم و

گروه سیاسی: در روزهای اخیر، نشستی به صورت مجازی با موضوع «تنفیذ، تحلیف و ملاحظاتی درباره دوره فقدان رئیس‌جمهور(اصول ۱۳۱ و ۱۳۲ قانون اساسی)» با ارائه مباحثی توسط علی‌اکبر گرچی (عضو هیئت دانشگاه شهید بهشتی) و محمدرضا متقی (استاد حقوق عمومی) برگزار شد که در بخشی از این نشست، محمد ایمانی به‌عنوان مدیر جلسه توضیحی پیرامون موضوع مورد بحث ارائه کرد تا بحث شکل بگیرد. ایمانی در طرح بحث این نشست گفت:«در اصل ۱۳۱، ما یک عدد و رقمی با عنوان ۵۰روز داریم. پشت این عدد دو مفهوم می‌توان در نظر گرفت: مفهوم اول، اگر این ۵۰روز رد شد و رئیس‌جمهور همچنان انتخاب نشد، چه کسی سرپرستی می‌ماند؟ آیا مشابه ۳ماه سرپرستی وزارت‌خانه‌هاست یا اینکه خیر چون این ۵۰روز ناظر به دوره سرپرستی نیست، بلکه تکلیفی است برای شورای سمنفره که انتخابات را برگزار کنند و در واقع یک کوتاهی از قانون از سوسی شورا است که در این صورت جواب همان مورد دوم می‌شود یعنی سرپرست سرجایش می‌ماند. مفهوم و سوال دومی که مطرح می‌شود این است که ابتدا و انتهای این ۵۰روز چیست؟ ابتدا را می‌توان روز فقدان رئیس‌جمهور دانست. انتهای این فرصت هم روزی است که شورای نگهبان انتخابات ریاست‌جمهوری را تایید می‌کند که در این مورد این ۵۰روز رعایت شد. حالا یک سوال پیش می‌آید، ظرف حداکثر ۵۰روز رئیس‌جمهور تعیین شد، اما بین انقضای آن مدت ۵۰روز و روز تنفیذ فاصله می‌افتد. اینجا چند قرائت می‌تواند مطرح شود، قرائت اول این است رئیس‌جمهور باید بلافاصله کابینه را معرفی کند اما این معرفی در عمل و در آیین‌نامه داخلی مجلس به یک فاصله دوهفته‌ای تعبیر شده است. قرائت دوم این است که این ۵۰روز ناظر به این دوره است، یعنی ظرف این ۵۰روز رئیس‌جمهور باید سرجایش بیاید و اگر نبیاید نقض قانون اساسی رخ داده است. قرائت سوم این است که هدف قانون اساسی این است که این ۵۰روز رعایت شود بهتر است بعدش سریع‌تر

فوق‌العاده اعمال می‌کند و این وضعیت به گونه‌ای است که ارائه خدمت‌های عمومی توسط نهادهای اداره سیاسی به صورت نرمال ناممکن است و این نشانه وضعیت استثنایی است. وضعیت استثنایی، وضعیتی است که بنابر دلایلی مانند جنگ، حوادث غیرمترقبه و شورش‌های دارای ابعاد گسترده، دولت معلق می‌شود.» این‌ها را توضیح دادم که بگویم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم ما به صورت کم‌وبیش با این دو حالت روبه‌رو هستیم و هرگاه خواستیم به پرسشی پاسخ دهیم حتماً مفید است که از خود بپرسیم آیا تحلیل‌مان از قانون اساسی کشور در چارچوب اعمال قاعده در وضعیت عادی است یا استثنایی؟ حتی در تحلیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی درباره اختیارات رهبر در حل معضلات نظام این پاسخ به این سوال مطرح است، این دوگانه‌سازی وضعیت‌ها خیلی می‌تواند به درد ما و تحلیل حقوق اساسی بخورد. با این تحلیل و تفکیک می‌توانیم مثلاً بگوییم که رهبری هم در وضعیت عادی اختیارات فراقانونی ندارد. با این توصیف ما به موضوع بحث که رئیس‌جمهوری و فقدان آن است بر می‌گردیم. انتخاب رئیس‌جمهوری در اصل ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶ و اصول مختلف پیش‌بینی شده است و اصل ۱۳۱ قانون اساسی درباره اعمال قوه مجریه در وضعی استثنایی است. اصل ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی در این باره می‌گوید:«اعمال قوه مجریه به جز آن مواردی که تصریحاً و مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده است، از طریق رئیس‌جمهور و هیئت‌وزراست.» این دو اصل وضعیت عادی را برای ما بازگو می‌کنند اما اصل ۱۳۱ حالتی را به ما می‌گوید که اصلاً رئیس‌جمهوری وجود ندارد یا رئیس‌جمهور حاضر است اما به دلیل بیماری یا غیبت یا عزل یا استعفا یا به دلیل فوت، عملاً قوه مجریه در معنای خاص تحت زعامت رئیس‌جمهور نیست و با مسئله فقدان رئیس‌جمهور روبه‌رو شده است. بنابراین تفسیر و تحلیل این اصل را باید به‌فاز استثنایی ببریم. به عبارتی وضعیتی که بنا به هر دلیلی رئیس‌جمهوری وجود ندارد که سر کار

روز تنفیذ با روح اصل ۱۳۱ مغایرت دارد. به زعم خود اینم قرائت آخر درست‌تر است و با توجه‌سه اصل ۱۲۸ و بسا توجه به قیاس اولویت، اجرای روح قانون در خصوص خود قانون اساسی حداقل در مواردی که می‌توان گفت روح قانون به وضوح قابل برداشت و الزام‌آور است و عدم رعایت به نوعی نقض قانون اساسی است. حال سوال این است که این وجود فاصله میان روز تنفیذ و انقضای مدت ۵۰روز چگونه است و کدام قرائت را می‌توان درباره آنها صحیح دانست؟» در ادامه سخنرانی و بحث صورت گرفته در این جلسه می‌آید.

در رابطه با اصل ۱۳۱ قانون اساسی که در رابطه با دوران نبود رئیس‌جمهوری در کشور است، می‌خواهم به آثار اصلاح قانون اساسی در رابطه با اصل ۱۳۱ و اصل ۱۳۲ در اندک‌زمان موجود بپردازم. ابتدا اشاره کنم که اگر ما قانون اساسی را با آنچه رخ می‌دهد منفک در نظر بگیریم و در عالم مجرد آن را بررسی کنیم، با مشکلات و دشواری مواجه می‌شویم. همانطور که آقای دکتر گرچی اشاره داشتند؛ وضعیت اضطراری یک وضعیت استثنایی است که چگونگی آن، ماهیت، شکل و نحوه وقوعش ممکن است متفاوت باشد و در هر وضعی شاید با شرایط مختلف راهکارهای مختلفی بطلبد و هر رکنی در ساختار حکمروایی کشور می‌تواند ماهیت سرنوشت و چستی آن را تغییر دهد. از سال ۶۸ به این سو یعنی تا ز دیهشت‌ماه امسال درباره پست ریاست‌جمهوری اتفاق خاصی رخ نداده است اما پیش از آن انتخابات ریاست‌جمهوری در موقعیت استثنایی زیاد داشتیم. فردای روز ۱۳ آبان ۵۸، دولت موقت به ریاست آقای مهندس بازرگان استعفا می‌دهد. شورای انقلاب بخشی از دولت را در دست می‌گیرد، دولت موقتی آغاز به کار می‌کند و نزدیک به ۲ماه یعنی تا ۵

بهمن ۵۸، ما عملاً رئیس‌جمهور به معنای سیستماتیک آن نداشتیم. پس از آن آقای بنی‌صدر از ۵بهمن رئیس‌جمهور می‌شود و خردادماه سال ۶۰رای به عدم کفایتش داده می‌شود و ۲ماه بعد هم آقای رجایی رئیس‌جمهور می‌شود و این دولت هم در شهریور ماه با انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیری به یکباره با نبود رئیس‌جمهور و رئیس‌دولت مواجه می‌شود و در مهر ماه سومین انتخابات رئیس‌جمهوری برگزار می‌شود؛ انتخابات ریاست‌جمهوری چهارم هم که مردادماه سال ۶۴ است و انتخابات ریاست‌جمهوری پنجم هم هم‌زمان با هم‌پرسی قانون اساسی در مردادماه سال ۶۸برگزار می‌شود. پس ما تا سال ۶۸اغلب انتخابات ریاست‌جمهوری برگزارشده در کشورمان در شرایط عجیب و استثنا بوده است. البته که از دلایل آن هم قرارداشتن کشور



علی‌اکبر گرچی حقوقدان و استاد حقوق عمومی

حقوقدان و استاد حقوق عمومی

در وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وضعیت جنگی می‌توان نام برد. اینها را به‌عنوان وضعیت محیطی می‌شناسیم اما یک مسئله که درباره نحوه تنظیم و تدوین اصول مرتبط با نبود رئیس‌جمهوری نیز وجود دارد که در بُعد اجرایی و شکلی آن اثر داشته، وجود نهاد نخست‌وزیری است. نمونه‌اش اصل ۶۰ پیش از اصلاح قانون اساسی است که در آن چنین آمده است:«اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گذاشته شده است برعهده رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر و هیئت‌وزرا است.» موضوعی که با اصلاح قانون اساسی تنها مورد نخست‌وزیر از آن حذف می‌شود و تغییر صرفاً در همین یک مورد است. نکته‌ای که وجود دارد این است که در ادبیات قانونگذار پیش از سال ۶۸شاهد آن هستیم که در آن بازه‌ای که ما با فقدان و نبود رئیس‌جمهور مواجه می‌شدیم، امور جاری کشور مختل نمی‌شد و عملاً یکسری وظایف جاری و کلی بر عهده شخص رئیس‌جمهور براساس قانون اساسی بوده، مانند امضای حکم سفرها و… به عبارتی، عملاً پس از تشکیل دولت این نخست‌وزیر بود که بخش عمده وظایف را به انجام می‌رساند. بر همین اساس در اصل ۱۳۰ قانون اساسی مصوب سال ۵۸ آمده است:«در هنگام غیبت یا بیماری رئیس‌جمهور، شورایی به نام شورای موقت ریاست‌جمهوری مرکب از نخست‌وزیری، ریاست‌مجلس و رئیس دیوان عالی کشور وظایف او را انجام می‌دهند مشروط بر اینکه عذر رئیس‌جمهور بیش از دوماه ادامه نیابد و نیز در مورد عزل رئیس‌جمهور و در مواردی که مدت ریاست‌جمهوری سابق پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید بر اثر موانع هنوز انتخاب نشده است وظایف رئیس‌جمهور بر عهده این شورا است.» شورایی که در این اصل به آن اشاره شده است؛ مجموعه وظایف رئیس‌جمهوری را بر عهده دارد؛ این وظایف متفاوت از وظایف نخست‌وزیر به عنوان رئیس‌دولت است. آنچه امروز و پس از اصلاح قانون اساسی و حذف نخست‌وزیری اتفاق افتاده وظایف رئیس‌جمهوری را متفاوت کرده است؛ به عبارتی در شرایط فعلی و قانون کنونی رئیس‌جمهوری وظیفه ریاست‌دولت را هم برعهده دارد. یعنی آن شورا که در اصل ۱۳۰ به آن اشاره شده بود، آن وظایف کلان را بر عهده داشت نه در مقام ریاست